

۱۵۸۸۴۹ - ۲.۲.۱۷۹



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

### بررسی بینامتنی تصاویر در غزلیات شمس

استاد راهنما:

دکتر حسین آقا حسینی

استادان مشاور:

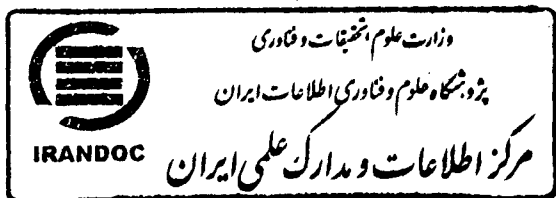
دکتر علی محمدی آسیابادی

دکتر علی اصغر باباصفیری

پژوهشگر:

زهرا معینی فرد

اسفندماه ۱۳۸۸



۱۵۸۸۳۹

۱۳۹۰/۳/۱۶

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق  
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه  
اصفهان است.



شبهه نگارش پایان نامه  
رعایت شده است.  
تکمیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان

دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه ادبیات فارسی

## پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان

### بررسی بینامتنی تصاویر در غزلیات شمس

در تاریخ ۸۸/۱۲/۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه علمی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسین آقا حسینی با مرتبه ی علمی دانشیار

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر علی اصغر باباصفری با مرتبه ی علمی استادیار

۳- استاد مشاور پایان نامه دکتر علی محمدی آسیابادی با مرتبه ی علمی استادیار

۴- استاد داور داخل از گروه دکتر سید مرتضی هاشمی با مرتبه علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مرتضی رشیدی با مرتبه ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه ادبیات

تصویرها در آینه ها نعره می کشند  
ما را ز چار چوب طلایی رها کنید  
ما در جهان خویشتن آزاد بوده ایم

نثار به آنان که خود را در سرگردانی اندیشه و نگاه بنیاد می کنند

# سپاس

خداوند را سپاس می گویم که توفیق اندیشیدن به من عنایت فرمود.  
اورا سپاس می گویم به خاطر خانواده مهربانم که همیشه حامی و پندم راهم بوده اند.  
به خاطر دوستانی که مرا بارشاطر بوده اند بار خاطر.

اورا سپاس می گویم به خاطر همه کسانی که شناخت ام و روزگاری که با آنان زیست ام تا زیستن را بیاموزم و گذر کردن را...  
سپاس پروردگار را به خاطر آنان که اندیشیدن را به من آموختند و استادانی که از مرشان بهره مند بوده ام به ویژه استاد دانشمند و فریخته ام آقای دکتر حسین  
آقا حسینی که افتخار راهنمایی در کار تالیف این رساله را به شاکر و خوش بخشیدند و صورت آن در تمام مراحل کار مریاری کردند و همچنین استاد نوآندیش و مستکرم  
آقای دکتر علی محمدی آسیلادی که در طول تحصیلات دانشگاهی خود از محضرشان کسب فیض نموده ام و شوق به شناخت را به من آموختند. شوق و طلبی  
که همیشه دشواری زاو را بر من آسان می کرد و استاد گرامی و دلسوزم آقای دکتر علی اصغر بلای صغری به خاطر همه نکته سنجی با دقت نظرایی که در پیشبرد این  
پروژه داشته اند.

در پایان از همه آنان که روزی با خواندن این رساله و بیان پیشنهادات و انتقادات خود در زنده ماندن و پویایی آن نگارنده رایاری می رسانند صمیمانه  
سپاسگزاری می کنم.

گرفتن کتبه و منقوب و پریشان تو کلمه

به من الله توفیق

سپاسی فرد

زستان ۱۳۸۸

## چکیده

هدف این پژوهش آن است که نشان دهد مهمترین تصاویر غزلیات شمس مناسبات بینامتنی دارند. از آن جا که بینامتنیت امروزه اصطلاحی رایج در نظریه ادبی و زبان شناسی متن است، قصد بر این است تصاویری که شامل تشبیه، استعاره یا رمز است، به عنوان یک متن در دل متن بزرگتری به نام غزل مورد مطالعه قرار گیرد. برای این منظور ۵۰ غزل از غزلیات دیوان شمس برگزیده و همه تصاویر آن ها بررسی شد اما به دلیل گستردگی دامنه تصاویر، تنها پربسامدترین آنها که در اندیشه مولانا هم اهمیت بیشتری دارند تحلیل گردید.

بر این اساس، این رساله در ۱۰ فصل فراهم آمده است: فصل اول: « کلیات » است که به تعریف و تاریخچه بینامتنیت و اهمیت آن، بررسی مفهوم تصویر و رابطه آن با بینامتنیت می پردازد و سپس متون مرتبط با غزلیات شمس و دلیل انتخاب آنها را مطرح می کند.

در فصل دوم که « بینامتنهای خورشید » نام دارد، تصویر خورشید، تصویر کانونی است و دیگر خوشه های آن یعنی آفتاب حق، آفتاب محمد، نور، سایه، ذره، حجره خورشید و حاجب خورشید بر اساس نظریه بینامتنیت تحلیل و بررسی شده است. فصل سوم بررسی دریا و تصاویر مرتبط با آن است که شامل دریای غیب، دریای حق، دریای عشق، بحر آتش، دریای جان، دریای احمد، موج، ماهی، کشتی و آب می شود.

در فصل چهارم حیوانات که شامل شیر و آهو، اسب، خر، گرگ، فیل و پشه، مرغ، باز، بلبل، طوطی و هما هستند تحلیل شده است.

در فصل پنجم محور کار بر تصویر آتش قرار گرفته است.

فصل ششم به عنوان « بینامتنهای رویشی » است و در برگیرنده تصاویر باغ، گل و گلستان، گندم و گندم زار، نخل و رطب است.

در فصل هفتم یکی از پرکاربردترین تصاویر عرفانی یعنی شراب و زیر مجموعه های آن یعنی جام و ساقی بررسی شده است. فصل هشتم با عنوان « بینامتنهای شکار » شامل صید و صیاد، دام و دانه، تیر و کمان و تیغ بلاست.

فصل نهم که « بینامتنهای درباری » نامیده شده و شامل تصاویر شاه، پاسبان و بازی درباری گوی و چوگان است.

در فصل دهم چهره حضرت یوسف (ع) به عنوان یک نماد در غزلیات شمس و دیگر متون عرفانی مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: بینامتنیت، غزلیات شمس، تصویر

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیش گفتار ..... ح

### فصل اول. کلیات

۱-۱-۱	بررسی چند اصطلاح	۱
۱-۱-۱-۱	نشانه	۱
۱-۱-۲	متن	۲
۱-۱-۳	بینامتنیت	۲
۱-۱-۴	مورد تاویلی	۲
۱-۱-۵	پیش متن و پس متن	۳
۱-۱-۶	طرح واره تصویری	۳
۱-۲	از نشانه تا متن	۳
۱-۳	بینامتنیت	۶
۱-۴	تصویر	۹
۱-۴-۱	تشبیه	۱۱
۱-۴-۲	استعاره	۱۲
۱-۵	تصویر و بینامتنیت	۱۲
۱-۶	غزلیات شمس و پس متن ها	۱۶
۱-۶-۱	قرآن و احادیث	۱۶
۱-۶-۲	مولوی	۱۹
۱-۶-۳	بهاء ولد (سلطان العلماء)	۲۰
۱-۶-۴	شمس تبریزی	۲۲
۱-۶-۵	سنایی غزنوی	۲۳



۲۵	..... ۱-۶-۶. عطار نیشابوری
۲۶	..... ۱-۶-۷. روزبهان بقلی شیرازی
۲۸	..... ۱-۶-۸. عین القضاة همدانی
۲۹	..... ۱-۶-۹. نجم الدین رازی
۳۰	..... ۱-۷. تبیین مسئله پژوهشی و اهمیت آن
۳۰	..... ۱-۸. اهداف تحقیق
۳۱	..... ۱-۹. فرضیات و پرسشها
۳۱	..... ۱-۱۰. پیشینه تحقیق
۳۱	..... ۱-۱۱. روش تحقیق و مراحل آن

## فصل دوم. بینامتن های تصویر خورشید

۳۲	..... ۲-۱. آفتاب حق
۳۵	..... ۲-۲. نور
۴۲	..... ۲-۳. آفتاب محمد
۴۵	..... ۲-۴. سایه
۴۹	..... ۲-۵. حجره خورشید ، حاجب خورشید

## فصل سوم. بینامتن های تصویر دریا

۵۳	..... ۳-۱. دریای غیب
۵۷	..... ۳-۲. دریای عشق
۵۸	..... ۳-۳. بحر آتش
۶۰	..... ۳-۴. دریای حق
۶۱	..... ۳-۵. دریای جان
۶۲	..... ۳-۶. دریای احمد
۶۴	..... ۳-۷. موج ، گرداب

۶۶	..... ۳-۸. مامی
۶۹	..... ۳-۹. کشتی
۷۲	..... ۳-۱۰. آب

## فصل چهارم. بینامتن های تصویر حیوانات

۷۶	..... ۴-۱. شیر و آهو
۸۲	..... ۴-۲. اسب
۸۵	..... ۴-۳. خر
۸۶	..... ۴-۴. گرگ
۸۷	..... ۴-۵. فیل و پشه
۸۸	..... ۴-۶. مرغ
۹۱	..... ۴-۷. باز
۹۴	..... ۴-۸. بلبل
۹۶	..... ۴-۹. طوطی
۹۸	..... ۴-۱۰. هما

۱۰۱	..... فصل پنجم. بینامتن های تصویر آتش
-----	---------------------------------------

## فصل ششم. بینامتن های تصویر شراب

۱۱۶	..... ۶-۱. جام
۱۲۲	..... ۶-۲. ساقی

## فصل هفتم. بینامتن های تصویر شکار

۱۲۵	..... ۷-۱. صید
۱۳۰	..... ۷-۲. دام

۱۳۳	۳-۷. تیرو کمان
۱۳۶	۴-۷. تیغ بلا

## فصل هشتم . بینامتن های تصاویر درباری

۱۴۰	۱-۸. شاه
۱۴۳	۲-۸. پاسبان
۱۴۵	۳-۸. گوی و چوگان

## فصل نهم . بینامتن های تصاویر رویشی

۱۴۸	۱-۹. باغ و گلستان
۱۵۴	۲-۹. گل
۱۵۷	۳-۹. گندم
۱۶۱	۴-۹. نخل ، رطب

۱۶۳	فصل دهم . بینامتن های یوسف نبی (ع)
۱۶۸	نتیجه گیری
۱۶۹	منابع و مأخذ

## پیش گفتار

این دفتر سخنی است به قدر بضاعت درباره تصاویر پر کاربرد در پنجاه غزل از غزلیات شمس تبریزی. در این مقال نگارنده در پی آن نیست که درباره زندگی مولانا سخن گوید، چرا که مولوی شناسان تمام وقایع و حوادث زندگی او را از سال ۱۶۰۴ هـ. ق (۱۲۰۷ م) که در بلخ دیده به جهان گشود و در کنار پدری چون بهاء ولد (سلطان العلماء) صاحب کتاب پرشور معارف، که دفتر مشاهدات روحانی و عشق ورزی با پروردگار است (زیست تا مهاجرت به قونیه و دیدار با شمس تبریزی و انقلاب و آشفتگی روحیش را بارها و بارها نقد و تحلیل کرده اند. هدف از این رساله بررسی شعر مولانا است شعری که «قال بی حال» نیست. شعر مردی عاشق و اهل ذوق که شور وی از سر سور و طربست نه از سر سور و طلب که با آهنگ چنگ و رباب، سماع می راند و در آن حال با هر غزلی که می گوید ذوق ها می کند. اشعار مولانا محصول لحظات از خود بی خود شدن شاعر است.

اه چه بی رنگ و بی نشان که منم	کی بینم مرا چنان که منم
گفتی اسرار در میان آور	کو میان اندرین میان که منم
کی شود این روان من ساکن	اینچنین ساکن روان که منم
بحرمن غرقه گشت هم در خویش	بوالعجب بحر بیکران که منم

(مولوی، ۱۳۳۶: ۲۸۱)

این شعرها رهاورد سفر به دیار عشق و جنون است. دیاری که موسیقی و تصویر در آن غوغا می کند: موسیقی سحر آسایش گوش جان را نوازش می دهد و تصاویر بی بدلیش از شکرستان خیال آمده است:

شکرستان خیالت بر من گل شکر آرد	به گلستان حقایق گل صد برگ فشانم
--------------------------------	---------------------------------

(همان: ۱۵۱۶)

«غلبه هیجانات عاطفی ناشی از عشقی عظیم بر ذهنی سرشار از معارف و تجربه های عرفانی و سکر و مستی حاصل از این عشق سبب می شود که مولوی در ضمن تجربه های روحی و عارفانه آن من بی کرانه را در اعماق وجود خویش کشف کند و در پرتو این کشف به راز وحدت میان «من و حق و شمس» و «عاشق و معشوق و عشق» عارف شود. وصول به این تجربه های روحی مستلزم تعطیل حواس و خروج موقت از عقل و هوشیاری و نیل به تجربه فنای عارفانه است.» (پورنامداریان، ۲۱۸: ۱۳۸۰)

مولانا خود از دیوانگی و بیهوشی و سرمستی خود سخن می گوید:

بیخود شده ام لیکن بیخودتر از این خواهم	با چشم تومی گویم من مست چنین خواهم
--	------------------------------------

(مولوی، ۱۳۳۶: ۲۲۷)

این سرمستی ناشی از تجربه اتحاد و وصول به حق است :

جان ریخته شد بر تو آمیخته شد با تو  
چون بوی تو دارد جان جان را هله بنوازم  
(مولوی ، ۱۳۳۶: ۲۲۴)

بنابراین ، این اشعار به گفته سلطان ولد « شعر اولیاست که خود نمائی نیست خدا نمائی است ( چون خداپرستی آن است که خود پرستی رها کنی ) و همه تفسیر است و سر قرآن ، زیرا که ایشان از خود نیست گشته اند به خلاف شعر شعرا که از فکر و خیالات خود گفته اند و از مبالغه های دروغ تراشیده و غرضشان از آن اظهار فضیلت و خود نمایی بوده است می توان این دو گونه شعر را شعر عاشق و شعر شاعر خواند که :

شعر عاشق ز حیرت و مستی است  
شعر شاعر نتیجه هستی است «  
( ستاری ، ۱۳۸۴ : ۱۵۴ )

آنچه که موجب تحسین و اعجاب خواننده از اشعار مولانا می شود تصویرگری مولاناست این تصاویر دیوان شمس را از غنی ترین و بی بدیل ترین نمونه های شعر فارسی کرده است . « وسعت دامنه تخیل سراینده و آفاق بینش او که می تواند ازل و ابد را به هم بیوند واز این رهگذر ایمازی به وسعت هستی بیافریند، سبب شده است که شعر او به لحاظ تخیل نیز رنگ و بوی و صیغه خاص خود را دارا باشد؛ تا حدی که بعضی از تصاویر شعر او را بی آن که گوینده اش را بشناسیم می توانیم کاملاً تشخیص دهیم که از کیست ، زیرا نوع پیوندی که میان عناصر هستی در تخیل او برقرار می شود دارای ویژگی هایی است که در ذهن دیگر شاعران نمونه آن را به دشواری می توان یافت . « ( شفیعی کدکنی ۱۳۸۷ : ۸۶ )

خواننده اشعار مولانا- بخصوص خواننده غزلهای او- همیشه مبهوت می ماند که مولوی با چه سهولتی صور خیال و استعارات مأخوذ از همه لحظه های زندگی را به کار می گیرد و با تسلط حیرت آور بر زبان و بر همه شیوه های معانی بیان و علم بدیع می تواند اندیشه های خویش را به زبان مجاز و استعاره بیان کند از نگرستن به ظاهر مبتذل جسمانی، والاترین الهامات جرقه می زند و از حقایق مادی ارزنده ترین استعارات پدید می آید . تنوع صور خیال او و کثرت آن دشواریهای زیادی را پیش پای مفسر می گذارد . شاید سالها وقت لازم باشد تا یک محقق از مولانا و تصاویر اشعارش سخن گوید و باید لحظه به لحظه با خیال های رنگارنگ او زندگی کند تا بتواند همچون وی منسوجی بیافد با تار و پودی از الهام و اشتیاق . روزی که نگارنده برای نگارش این رساله قلم در دست گرفت و به مطالعه پرداخت هرگز از گستردگی دامنه این بحث آگاه نبود . در آغاز غزل هایی از میان غزلیات پر شور مولانا برگزیده شد . انتخاب این غزل ها به شیوه تصادفی بود تا بتوان این نظریه (بینامتنیت ) را به کل دیوان تعمیم داد . در قدم بعد از تصاویر ۵۰ غزل برگزیده فیش برداری ، و ساختار تصاویر تحلیل گردید . پس از دسته بندی ، حجم

بالایی از تصاویر گردآمد که می‌بایست به تحلیل و بررسی آنها بر اساس متن‌های پیشین پرداخته می‌شد (درباره این متن‌ها در بخش بعد سخن خواهیم گفت) هرچه از مدت تحقیق گذشت، فراخی و دامنه کار بیشتر نمایان شد. علیرغم شوقی که نگارنده به بررسی همه تصاویر داشت تنگی وقت و دشواری و تازگی موضوع موجب شد که تنها به بررسی و تحلیل تصاویری که بسامد بالاتری داشتند پرداخته شود. که شامل نه تصویر عمده است. نه تصویر به دست آمد و به عنوان تصاویر مرکزی و کانون در نظر گرفته شده. سپس تصویرهای پراکنده مرتبط با هر تصویر مرکزی، تجزیه و تحلیل گردید و خوشه‌های تصویری آنها ترسیم شد.

منظور از تصویر کانونی و خوشه‌های تصویری همان است که دکتر محمود فتوحی در کتاب بلاغت تصویر بیان کرده است: «شاعری که نگرش خلاق و فردی دارد، درون مایه مسلط و منسجمی بر آثارش سایه می‌افکند؛ نوعی وحدت نگاه در کلیه تصویرها و ساختارهایش دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را آغاز خوشه‌هایی از یک تصویر بزرگ به حساب آورد. نگرش واحد در یک تصویر کانونی متمرکز است و تمام ساختها و تصویرهای فرعی برگرد آن می‌چرخند... منتقد می‌تواند با تجزیه و تحلیل تصویرهای پراکنده و ترسیم خوشه‌های تصویری در آثار یک شاعر، نگرش مسلط بر اندیشه وی را کشف کند و نشان دهد در ورای همه تصویرها و صورتها، درونمایه ثابتی می‌توان یافت که رهبری کلیه ساختها و تصویرها را به عهده دارد... در آثار مولوی «اندیشه اتحاد و رجعت جزء به کل» در تصویر دریا و خوشه‌های تصویری مرتبط با آن (ساحل، رود، قطره، مرغابی و ماهی و...) تجسم یافته است.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۷) اکنون به بررسی این تصاویر کانونی پرداخته خواهد شد.

#### ۱- خورشید

محور اصلی مهمترین و پر کاربردترین تصاویر در غزلیات شمس، خورشید است. هرگاه مولوی از خورشید سخن می‌گوید می‌توان یقین دانست که یاد و خاطره شمس‌الدین تبریزی، درویشی که زندگی و اندیشه مولانا را دگرگون ساخت برای او تداعی می‌شود، چرا که نام این یار و پیر راه، شمس است و شمس در لغت به معنای خورشید است. از آنجا که غزلیات مولوی همه فریاد نام شمس است، تصویر خورشید به کرات در دیوان او تکرار می‌شود. نام شمس به عنوان یک نشانه هنگامی که به کلمه تأویل شود بر خورشید و مترادفات آن دلالت می‌کند. به دلیل کاربرد وسیع این کلمه در غزلیات شمس، شمس تبریز و خورشید آسمان به یک این همانی در مفهوم و مصداق رسیده و هر یک یادآور دیگری است. از آن پس خورشید، آفتاب و یا شمس، سمبل معانی و حقایق بلند آسمانی قرار می‌گیرد که محور تمام آنها پروردگار است.

خوشه‌های تصویری مرتبط با خورشید شامل آفتاب حق، آفتاب محمد، نور و سایه می‌شود که خاستگاه همه آنها خورشید است و حول تصویر خورشید معنی می‌یابد.

## ۲- دریا

دریا گسترده ترین کلید واژه ذهن مولانا است. دریا به سبب عظمت و زیبایی هایی که در طبیعت دارد و در تقابل با خاک و خشکی، مستعد پذیرش مفاهیم با ارزش و والاست و معمولا استعاره از عالم غیب و معناست؛ آن جا که محل سیر جان هاست. علاوه بر آن طیفی از معانی عرفانی که دارای بار معنایی مثبت است و با لطف و صفا و روحانیت ارتباط دارد، مانند جان، عشق، مستی، معرفت و اسرار الهی و... پیرامون کلمه دریا تنیده می شود. مولانا در جستجوی دریاست یعنی در جستجوی عشق است؛ در جستجوی شمس تبریز است؛ در جستجوی لامکان و فنا. کلید رمز دریا را می توان در این ابیات مثنوی یافت:

پنبه اندر گوش حس دون کنید	بند حس از چشم خود بیرون کنید
پنبه آن گوش سر گوش سر است	تا نگردد این کر آن باطن کر است
بی حس و بی گوش و بی فکر شوید	تا خطیاب ارجعی را بشنوید
تا به گتفت و گوی بیداری دری	تو زگفت خواب بویی کی بری
سیر بیرونی است قول و فعل ما	سیر باطن هست بالای سما
حس خشکی دید کز خشکی بزاد	عیسی جان پای بر دریا نهاد
سیر جسم خشک بر خشکی فتاد	سیر جان پا در دل دریا نهاد
چونک عمر اندر ره خشکی گذشت	گاه کوه و گاه دریا گاه دشت
آب حیوان از کجا خواهی تو یافت	موج دریا را کجا خواهی شکافت
موج خاکی وهم و فهم و فکر ماست	موج آبی محو و سکرست و فناست
تا در این سکری از آن سکری تو دور	تا از این مستی از آن جامی تو کور

(مولوی، ۱۳۶۱: ۱/ ۵۷۶ - ۵۶۶)

خوشه های تصویری مرتبط با دریا نیز عبارت است از: دریای غیب، دریای عشق، بحر آتش، دریای حق، دریای جان، دریای احمد، موج، ماهی، کشتی و آب.

## ۳ - حیوانات

مولوی به صور خیال برگرفته از عالم حیوانات بسیار توجه دارد. او بر خلاف بسیاری از عرفا که تنها انسان های گمراه را- با توجه به آیه « أولئک کالأنعم بل هم أضل »- به حیوانات تشبیه می کنند، معمولا در وصف مفاهیم لطیف و مقدس مثل عشق، لطف، جمال و جلال پروردگار و... از حیوانات بهره می برد. گاه این تصویر سازی های او در شعر پارسی غیر معمول است؛ این توجه به همه مظاهر طبیعت نمونه کامل دستیابی شاعرانه به

حقیقت عارفانه است. مولوی از تصاویر مربوط به پرندگان نیز به طور گسترده استفاده می کند و با توجه به جنبه های مثبت آنها از جمله پرواز ، رهایی ، داشتن پرو بال ، میل به فراز و ... معمولا آنها را در هر شکل و رنگی نماد روح و جان قرار می دهد. تصاویر مرتبط با این تصویر (حیوانات) عبارت است از: شیر و آهو ، اسب ، خر ، گرگ ، فیل و پشه ، مرغ ، باز ، بلبل ، طوطی وهما.

#### ۴- آتش

ویژگی های آتش مانند سوزاندن و نابود کردن ، گرمی و حرارت بخشی و روشنگری و تطهیر سبب نزدیکی و پیوند آن بامفهوم عشق می گردد: عشق در عاشق شور و حرارت و حرکت را برای رسیدن به معشوق برمی انگیزد؛ تمام علایق را در عاشق می سوزاند و وجود او را تطهیر می کند . در بیشتر آثار عرفانی آتش نماد و رمز عشق است . عشقی که هستی عاشق را می سوزاند و او را لایق رسیدن به مرتبه فنا می گرداند، همین، عشق الهی است. که دل را به غایت کمال و بزرگترین مقامات یعنی اتحاد با حق و لذت بهشت انس و مشاهده جمال حق می رساند . « صورخیال وابسته به آتش همیشه با درد و رنج پیوستگی دارد . حتی اگر این درد و رنج لازم و در نتیجه لذت بخش باشد در روایت مولانا از پروانه ای که خویشتن را به شعله شمع می زند و می سوزاند شعله در نظر این مخلوقی که پرپرمی زند ( نماد کهن روح ) چون روزنی می نماید. روزنی که به روی دریای بیکران آتشین عشق گشوده می شود. » (شیمل ، ۱۳۸۰ : ۱۹۲)

#### ۵- تصاویر رویشی

تصاویر رویشی تصاویری است که با رویش و سر سبزی سر و کار دارد. این تصاویر از اتحاد خاک و آب و آفتاب و سر بر زدن دانه از دل خاک معنا می یابد . خوشه های این تصویر باغ ، گل و گلستان ، گندم ، خرمن ، نخل و رطب دربرمی گیرد. این تصاویر خیال را به دامن طبیعت می کشاند و جان را از طبیعت پویای قونیه سرشار می کند . در تصویر طبیعت زاویه دید مولانا غالبا بدیع و نو آیین است . او می کوشد بسیاری از عناصر طبیعت را از دیدگاه تازه ای بنگرد . « تصاویر تکراری شعر دیگران در شعر مولانا حرکت و پویایی بیشتری دارد . بنفشه و سوسن مولانا همان بنفشه و سوسن منوچهری و رودکی نیست، چراکه در شعر آنان ، تصاویر ، جنبه آفاقی داشت و در شعر مولانا جنبه انفسی دارد.» (شفیعی کدکنی ، ۱۳۸۷ : ۸۹-۸۷)

مولانا همه چیز را در دامن طبیعت جلوه ای از جمال پروردگار می بیند . پروردگاری که چشم هرگز نمی تواند او را ببیند و غیرت عشق ، حقیقت آن را در پس پرده گلها و بلبها پنهان می کند . باغ و گلستان در نظر مولانا مرتبه ای از بهشت عالم غیب است و او در ابیات متعددی جان و روح انسان عارف را به باغ مانند می کند. همچنین ، مولانا با



توجه به حدیث مشهور «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» دنیا را مزرعه ای می داند که هرچه در آن بکاریم در بهار قیامت می توانیم آن را برداشت کنیم :

بشـنو ز زبان سبـز هر برگ  
کز غیب بروید آنچه کاری

و در جای دیگر برای خاصیت عشق دانه‌ی گندم را مثال می زند که پس از سربرآوردن از خاک، به خوشه هایی با صدها دانه تبدیل می شود و موجب شگفتی و سرور دهقان می گردد، همانند جان انسان که چون محو عشق گردد چنان بالیده می شود که با جانان متحد شده و یعجب الزراع می شود:

باز آن جان چون که محو عشق گشت  
یعجب الزراع آمد بعد کشت

(مولوی، ۱۳۶۱: ۱: ۳۱۶۸)

و در شعری دیگر نخل را نمودار عالم غیب می داند که خرما می معرفت برای مریم صفتان می فرستد.

#### ۶- شراب

از جمله تصاویر پرکاربرد در متون عرفانی تصاویر شراب، جام و ساقی است. شراب، جام و ساقی را می توان واسطه های رسیدن به وصال دانست، چرا که وصال زمانی میسر است که عاشق از خود بی خود شده و در حالت مستی و بی خویشی در معشوق بگریزد. در واقع جام ماوای روح است، روح سالکی که با آویختن در جام و ریختن خون اندیشه، هویت حقیقی اش را می یابد؛ به خوشی ابدی می رسد. منظور از شراب نزد مولوی، شراب الهی، «خمر من لدن» و به طور کلی شراب عشق است. شرابی که ساقی آن پروردگار است. این باده برای امت محمد باده منصوره است نه باده انگوری و مستی ای که از آن ناشی می شود سرآغاز وحدت و کمال است:

آن باده انگوری مر امت عیسی را  
وین باده منصوره مر امت یاسین را

(مولوی، ۱۳۳۶: غزل ۸۱)

#### ۷- تصاویر شکار

تصاویر شکار همانند دایره دام ما را به حلقه های دیگری همچون صید، صیاد، دانه، دام، تیر، کمان، تیغ و... متصل می کند. اگر چه این تصاویر در ظاهر چندان جوشایند نیست، در طریق عرفانی به شاعر عارف فرصت می دهد تا خود را همچون شکاری، درمانده و تسلیم رحمت معشوق خویش- که همان صیاد است- نشان دهد. صیاد، حق است و «عشق اغلب به صورت دامی برای گرفتن مرغ جان ظاهر می شود. چه مرغی از دانه و قند و بادامی

که به عنوان طعمه نهاده اند می تواند بگریزد؟ تنها مرغی که بال و پر ندارد به دام عشق گرفتار نیست. از عجایب عشق آن است که هرچه در دام او گرفتار ترمی شوی خود را آزادتر می یابی. « (شیمل ، ۱۳۸۰ : ۱۹۵ )

#### ۸- تصاویر درباری

شاعران پارسی به صور خیال برگرفته از زندگی درباری علاقه داشته‌اند زیرا بسیاری از همان دوران نخستین در دربارها زندگی می کردند و از پشتیبانی آن‌ها بهره مند می شدند. با وجودی که از میانه های حکومت سلجوقی و خوارزمشاهی غلبه اشرافیت و دربار بر شاعران اندک اندک کم رنگ می شود، این عناصر و تصاویر را شاعران با شعرشان به یکدیگر منتقل می کنند.

« اگر چه آثار صوفیه بیش و کم از نظر عناصر خیال به طور میراثی متأثر از عناصر خیال شاعران این دوره ( تا قرن پنجم هجری ) و بر روی هم متأثر از شعر اشرافی است، ولی مطالعه در آثار صوفیه و شعر ایشان بخوبی می تواند ما را راهنمایی کند به اینکه در آنجا تأثیر مستقیم حکومت اشرافی وجود ندارد و به طور طبیعی عناصر خیال از زندگی عادی مردم گرفته می شود و اگر مایه های اشرافی در دید شاعران صوفی دیده شود به احتمال قوی چیزی است که از موارث این دوره و شعرهای درباری دوره های بعد است. « (شفیعی کدکنی ، ۱۳۵۰ : ۲۲۷ )

تصاویر درباری در دوره اول برای بیان تجربه های بیرونی و توصیف طبیعت به کار می رفت، ولی در شعر مولانا در خدمت اندیشه و تجربه درونی است و درحقیقت هر کدام از این تصاویر کلید اشارت به دریافته ها و معانی غیبی صوفی شاعر است. خوشه های تصویری مرتبط با دربار عبارت است از : شاه ، دربان ، پاسبان و بازی مورد علاقه درباریان و بزرگان یعنی گوی و چوگان.

#### ۹- یوسف نبی

پیامبر محبوب مولانا حضرت یوسف (ع) است: فرزند یعقوب نبی (ع) و مظهر جمال و زیبایی و درحقیقت مظهر تمام و کمال جمال الهی. داستان پر فراز و نشیب او احسن القصص است ؛ داستان عشق و هجران ، داستان عزت و ذلت. این داستان با همه جنبه های آن از عشق زلیخا به یوسف تا عشق یعقوب به او ، از رنج چاه و حبس مصر تا عزیزی و مملکت داری برای عارفان تبدیل به معانی رمزی شده است.

یوسف صوفیه روح است، روحی که در بحر عشق الهی مستغرق است و زلیخای صوفیه نفس است. چاهی که یوسف روح در آن گرفتار است چاه دنیاست و مصر برای او مصر وصال است. مولانا نیز در دیوان شمس به کرات از معشوق با عنوان یوسف یاد می کند. یوسف گمشده که به خاطر رشک برادران یعقوب را به اندوه فراق مبتلا می کند، بارها و بارها شمس تبریز را تداعی می کند و هرگاه مولانا از غیرت عاشقی نام شمس را نمی خواهد بر زبان آورد « نام جمله چیز» را یوسف می کند :

آن زلیخا از سپندان تا به عود

نام جمله چیز یوسف کرده بود

نام او در نامها مکتوم کرد

محرمان را سر آن معلوم کرد

(مولوی، ۱۳۶۱: ۴۰۲۱/۶)

از آنجا که بیشتر این تصاویر در شعر مولانا از مرحله تشبیه و استعاره گذشته و تبدیل به رمز می شوند درک معنای آنها جز از طریق متن های دیگر ممکن نیست. چرا که « وقتی کلمه استعاره می شود علاقه میان معنی حقیقی و مجازی و وجود قرینه صارفه خواننده را راهنمایی می کند تا آن مدلول تازه ای را که کلمه در مقام استعاره به آن دلالت می کند دریابد، اما در مقام رمز کلمه فاقد نشانه هایی است که راهنما به مدلول ثانوی واحدی باشد. کلمه ای که رمز می شود دیگر نشانه نیست؛ یک دال تهی است که تصمیم خواننده آن را بدل به یک دال پر و نشانه می کند. به همین سبب است که زبان رمزی بالقوه دارای معانی متعددی است که با تأویل خواننده فعلیت پیدا می کند.» (پورنامداریان، ۲۰۸:۱۳۸۰) بنابراین در قدم بعد به تحلیل و بررسی تصاویر بر اساس متن های پیشین پرداخته شده. آنچه انجام شد ابتدا یافتن رابطه ها بود و سپس چگونگی باز تولید متن و شکل گیری تصویر ها شرح داده شد. (در ادامه و در بخش کلیات درباره بینامتنیت - تصویر - رابطه تصویر و بینامتنیت به تفصیل سخن خواهیم گفت.)

## فصل اول

### کلیات\*

#### ۱-۱. بررسی چند اصطلاح

##### ۱-۱-۱. نشانه (sign)

زبان دستگامی از نشانه هاست. هر یک از ما در کاربرد شخصی زبان یعنی در گفتارمان مجموعه ای از نشانه ها را برمی‌گزینیم، به همین دلیل برای پرداختن به معنا در یک متن نیز ناگزیر به بررسی نشانه ها در متن هستیم. نشانه آن است که به یاری آن با هم ارتباط ایجاد کنیم و رابطه ای است میان واژه (لفظ) که در اصطلاح زبان شناسی دال نام دارد و تصور (معنا) که مدلول نامیده می‌شود. سوسور نشانه را همچون سکه‌ی دورویی در نظر گرفت که یک روی آن مدلول (مفهوم) و روی دیگرش دال (صوت - تصویر) است. یکی شدن دال و مدلول نشانه را به وجود می‌آورد.

---

\* بعضی از مباحث این فصل از جمله تعریف باز تولید، اصطلاح موجیبت تصویر، سخن نور تراپ فرای درباره کتاب مقدس و شیوه تصویرپردازی عرفا در متون عرفانی از تقریرات شفاهی جناب آقای دکتر محمد علی آسیابادی است.